Archive of SID

ارزیابی ریسک‌پذیری در بانکداری بدون ربا و نقش کفایت سرمایه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۱

ابوالقاسم توحیدی‌نیا*
حمید ابریشمی**
حمید نصیری***

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در نظام بانکی مطرح است و می‌تواند کارکرد این نظام را به اختلال بکشاند، ریسک است. ازآنجایی‌که حجم منابع سرمایه‌ای معتبر موجب کاهش ریسک ورشکستگی بانک‌ها می‌گردد؛ لذا یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی عملکرد و سلامت بانک‌ها، نسبت کفایت سرمایه است.

در این پژوهش پس از بررسی مبانی نظری نسبت کفایت سرمایه در بانکداری متعارف و تبیین ماهیت بانکداری بدون ربا (مدل قراردادهای موازی) و اصول حاکم بر آن در گام نخست، با روش تحلیلی ـ توصیفی به تبیین ریسک‌های مورد ابتلای چنین بانکداری پرداخته و سپس نقش نسبت کفایت سرمایه در مدیریت ریسک آن بررسی خواهد شد. در گام بعد یافته‌های نظری تحقیق به روش پیمایشی مورد ارزیابی و اعتبارسنجی خبرگان قرار می‌گیرد. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که نوعاً میزان ریسک‌پذیری در نظام بانکی بدون ربا نسبت به بانکداری متعارف کمتر است که دلالت بر کاهش اهمیت نسبت کفایت سرمایه برای مدیریت ریسک در چنین بانکداری در مقایسه با بانکداری متعارف می‌کند.

واژگان کلیدی: *بانکداری متعارف، بانکداری بدون ربا، مدل قراردادهای موازی، کمیته بازل، نسبت کفایت سرمایه.*

طبقه‌بندی JEL: G21, Z12.

*. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). Email: a.tohidinia@ut.ac.ir.
**. استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. Email: abrihami@ut.ac.ir.
***. کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. Email: hamid.nasiri@ut.ac.ir.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

از جمله مسائل مهم در صنعت بانکداری، احتمال ورشکستگی و ناتوانی بانک‌ها در انجام تعهدات مالی ایجادشده است. در این راستا میزان سرمایه مناسب و کافی یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی است و هر یک از بانک‌ها برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت‌های خود باید همواره نسبت مناسبی را میان سرمایه و ریسک موجود در دارایی‌های خود برقرار نمایند. در حقیقت سرمایه به عنوان مبنایی برای جلب و حفظ اعتماد مشتریان به بانک محسوب می‌گردد. امنیت و ثبات سیستم مالی بستگی به میزان اطمینان سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان به بانک و سیستم بانکی دارد (محسنی، ۱۳۹۳، ص۱۵۷).

بحث ریسک، ورشکستگی و هزینه‌های ناشی از آن در بانکداری بدون ربای مبتنی بر قراردادهای موازی،* نیز مطرح می‌باشد؛ اما بحث در ویژگی‌های بانکداری قراردادهای موازی که بر اساس معیار و موازین شریعت اسلام مبنی بر ممنوعیت ربا (نرخ بهره) و با استفاده از عقود اسلامی فعالیت می‌کنند، می‌باشد. وجود چنین تفاوت‌هایی ممکن است بتواند منجر به ایجاد تفاوت‌هایی در مبحث کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی نسبت به متعارف گردد؛ چراکه بانکداری بدون ربا با توجه به ماهیت و عملکرد متفاوت خود و به‌کارگرفتن عقود اسلامی در فعالیت‌های خود، ریسک فعالیت‌های بانکداری متفاوتی می‌تواند داشته باشد. فرضیه پژوهش حاضر این است که کاربرد عقود اسلامی در فعالیت‌های بانکی می‌تواند سبب کاهش ریسک‌های ناشی از عملیات بانکداری گردد. به منظور تأیید و یا رد فرضیه مطرح‌شده در گام نخست از روش تحلیلی ـ توصیفی و در گام بعد، از روش پیمایشی (توزیع پرسشنامه) در پژوهش حاضر استفاده گردیده است.

بر این اساس در این مقاله ابتدا به مرور مبانی نظری کفایت سرمایه بررسی خواهد شد، در ادامه بعد از مطالعه اصول حاکم بر بانکداری بدون ربا مبتنی بر رهیافت قراردادهای موازی نشان داده خواهد شد با توجه به سازوکار متمایز و ویژه حاکم بر این نوع بانکداری

*. رهیافت قراردادهای موازی در اجرای عملیات بانکداری بدون ربا در بخش‌های بعدی تبیین می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

لازم است ضرایب ریسک و در نتیجه نسبت کفایت سرمایه مطرح در بانکداری متعارف متناسب با آن مورد بازبینی قرار گیرد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مشکلات پدیدآمده در بازپرداخت وام‌های بانکی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، اهمیت برخورداری بانک‌ها از سرمایه کافی در مواجهه با خطرهای ناشی از عدم ایفای تعهدات از سوی وام‌گیرندگان را آشکار ساخت. یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی عملکرد و سلامت بانک‌ها، نسبت کفایت سرمایه (Capital Adequacy Ratio) است؛ لذا برای مقابله با این تجربیات ناخوشایند، اصلاح مقررات ناظر بر اندازه مناسب سرمایه بانک‌ها در کانون توجه مجامع نظارت بانکی قرار گرفت. این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بازل واقع در شهر بازل سوئیس ـ که توسط بانک تسویه بین‌المللی (Bank for International Settlements) در سال ۱۹۷۴ تأسیس گردید ـ به بانک‌های فعال دنیا معرفی شد (محسنی، ۱۳۹۳، ص۱۷۱). بنابر تعریف ارائه‌شده توسط کمیته بازل نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه شامل سرمایه درجه ۱ و سرمایه درجه ۲ به مجموعه دارایی‌های موزون‌شده به ضریب ریسک برحسب درصد می‌باشد (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷، ص۳).

$$\text{نسبت کفایت سرمایه (CAR)} = \frac{\text{سرمایه درجه ۱ + سرمایه درجه ۲}}{\text{کل دارایی‌های موزون شده}} \geq ۸$$

نسبت کفایت سرمایه در بازل ۱ و بازل ۲ حداقل ۸ درصد در نظر گرفته شده است که در بازل ۱ فقط ریسک اعتباری* و در بازل ۲ علاوه بر ریسک اعتباری، ریسک بازاری و ریسک عملیاتی را مدنظر قرار داده بود. در بازل ۳ که به دنبال بحران مالی سال ۲۰۰۸ از جانب کمیته بازل به منظور حفاظت بیشتر از بانک‌ها و حمایت سپرده‌گذاران انتشار یافت، حداقل نسبت کفایت سرمایه را با تعیین ۲,۵ درصد سطح سرمایه حفاظتی که به سرمایه درجه ۱ اضافه می‌شود، به ۱۰,۵ درصد افزایش داد. علاوه بر این، ۳ درصد نیز به عنوان

*. کمیته بازل پس از انتشار بیانیه بال ۱، در الحاقیه‌ای موسوم به الحاقیه ۱۹۹۸ به معرفی و انتشار دستورالعمل‌های مربوط به ریسک بازار اقدام نمود.

www.SID.ir

Archive of SID

نسبت بدهی برای جلوگیری از مشکلات ایجادشده مربوط به وزن‌دهی ریسک دارایی‌ها در نظر گرفته است که نسبت کفایت سرمایه را تا سطح ۱۳,۵ درصد افزایش می‌دهد (محسنی، ۱۳۹۳، ص۱۹۰). تحولات بیانیه بازل در زمینه کفایت سرمایه را در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول شماره ۱: تحولات بیانیه بازل در زمینه الزامات کفایت سرمایه

بازل ۱	بازل ۲	بازل ۳
۱. چارچوب کفایت سرمایه ۲. معرفی ریسک اعتباری ۳. معرفی اوزان ریسکی ۴. معرفی ریسک بازار در الحاقیه ۱۹۹۸ ۵. تعریف سرمایه	۱. چارچوب کفایت سرمایه ۲.معرفی ریسک عملیاتی در کنار ریسک اعتباری و بازار ۳. فرآیند نظارتی ۴. انضباط بازار و الزامات افشاگری	۱. چارچوب کفایت سرمایه ۲. ارائه سطوح سرمایه و محافظ‌های سرمایه‌ای ۳. پوشش بهتر ریسک ۴. نسبت اهرمی ۵. اصول کفایت سرمایه

سیستم بانکداری بدون ربا (مدل قراردادهای موازی)

ویژگی منحصربه‌فرد بانکداری بدون ربا در وهله اول خالی‌بودن از ربا و در مرحله بعدی استفاده از قاعده تقسیم سود و زیان (Profit-Loss Sharing) (PLS) بین مشتری و بانک در عقود مشارکتی است (ترک آریس و سری الدین، ۲۰۰۷/ عبدالکریم و همکاران ۲۰۱۴/ زینس و ویل ۲۰۱۷). از طرفی تفاوت عمده بین بانکداری ربوی و اسلامی در نوع رابطه بین بانک و مشتری است؛ به‌طوری‌که در بانکداری ربوی بین بانک و گیرنده تسهیلات یک رابطه مستقیم به‌صورت دائن و مدیون وجود دارد؛ اما در بانکداری اسلامی وجوه سپرده‌گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و در قالب عقود معین روی دارایی خاصی واگذار می‌گردد.

نوع خاصی از بانکداری بدون ربا که تقریباً در تمام کشورهای اسلامی اهل تسنن مورد استفاده قرار می‌گیرد، الگوی بانکداری اسلامی با رویکرد قراردادهای موازی می‌باشد.* در

*. مدل دیگری از بانکداری بدون ربا مربوط به بانکداری وکالتی می‌باشد. در این مدل بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار اقدام به سرمایه‌گذاری سپرده‌ها با توجه به عقود اسلامی با طرف گیرنده تسهیلات می‌کند و پس از اتمام پروژه اقدام به دریافت حق‌الوکاله خود به‌صورت ثابت و یا درصدی از سود سرمایه‌گذاری

www.SID.ir

Archive of SID

این الگو، بانک از یک‌سو با سپرده‌گذار وارد یک قرارداد سرمایه‌گذاری عام یا خاص ـ شامل تمام عقود اسلامی از جمله عقود مشارکتی و مبادله‌ای ـ می‌شود طوری که طرف حساب و معامله سپرده‌گذار و متعهد به او بانک می‌باشد و از سوی دیگر بانک یک قرارداد اسلامی مشخص با تسهیلات‌گیرنده منعقد می‌کند؛ برای مثال در راستای مدل بانکداری قراردادهای موازی محققانی از قبیل *زیشان فرخ* (۲۰۱۵)، *احمد و خان* (۲۰۰۷) و *الفیجاوی* (۲۰۱۶) به قراردادهای موازی از قبیل سلم موازی، استصناع موازی مرابحه موازی و ... در پژوهش خود اشاره کرده‌اند. تفاوت این مدل با مدل وکالتی در این است که در این مدل وجه واسطه مالی‌بودن بانک نمود کاملی دارد بر خلاف مدل وکالت که بانک تنها نمایندگی از سپرده‌گذاران را دارد و با توجه به اینکه امین آنها محسوب می‌شود، گویی کارگزارِ سپرده‌گذاران است و نه واسطه سومی که بین دو طرف سپرده‌گذاران و متقاضیان تأمین مالی قرار می‌گیرد و در قبال هر دو طرف مسؤولیت دارد؛ مگر اینکه بانک به عنوان وکیل بخواهد به موکلان خود ضمانت دهد که این کار توجیه فقهی و حقوقی ندارد (موسویان، ۱۳۸۸)؛ لذا با تفاوت نقش بانک در این دو نوع بانکداری بدون ربا، ریسک‌های بانکی هم به لحاظ کمیت و کیفیت دستخوش تغییر می‌شوند.

کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا (مدل قراردادهای موازی)

با گسترش فعالیت مؤسسات مالی اسلامی به دنبال تأسیس اولین بانک اسلامی در سال ۱۹۶۳ در مصر و به تدریج گسترش بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در کشورهای اسلامی، کشورهای جنوب شرقی آسیا و ...، استفاده از رویکردهای موجود در بیانیه بازل مورد توجه بیشتری از سوی مجامع مؤسسات مالی اسلامی قرار گرفته است. هیئت خدمات مالی اسلامی (Islamic Financial Services Board) (IFSB) که با مسئولیت گسترش خدمات مالی اسلامی شفاف و احتیاطی در سوم نوامبر ۲۰۰۲ تأسیس‌شده و فعالیت خود را رسماً در مارس ۲۰۰۳ آغاز کرده است اقدام به انتشار استانداردهای کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی در مارس سال ۲۰۰۵ بر اساس استانداردهای ارائه‌شده در بیانیه بازل ۲ کرد؛ همچنین این هیئت در سال ۲۰۱۲ اقدام به ایجاد تغییراتی در مقررات و استانداردهای

بر حسب نوع قرارداد می‌نماید.

www.SID.ir

Archive of SID

انتشاریافته در زمینه کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی با توجه به رهنمودهای ارائه‌شده در بیانیه بازل ۳ کرده است (محسنی، ۱۳۹۳، ص۱۹۵).

روش شناسایی و اندازه‌گیری کفایت سرمایه در استاندارد IFSB تا حد زیادی بر اساس رویکرد کمیته بازل می‌باشد. البته تغییرات مورد نیاز به منظور فراهم‌آوردن ویژگی‌ها و خصوصیات خدمات و محصولات منطبق با شریعت اسلام در آن لحاظ شده است. این تغییرات در زمینه حساب‌های سرمایه‌گذاری سهیم در سود می‌باشد که طبق تقسیم‌بندی هیئت خدمات مالی اسلامی و بانک‌های اسلامی بین‌المللی به دو زیرگروه حساب‌های سرمایه‌گذاری محدود* و غیر محدود** تقسیم می‌شوند. هیئت خدمات مالی اسلامی با درنظرگرفتن حساب‌های سرمایه‌گذاری سهیم در سود و همچنین ریسک تجاری جابه‌جایی وجوه ناشی از مدیریت این حساب‌ها، اقدام به انتشار دو نوع فرمول ـ که در ادامه بیان می‌شود ـ برای محاسبه نسبت کفایت سرمایه کرد با این دید که نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی همانند تعریف ارائه‌شده توسط کمیته بازل برای بانک‌های متعارف برابر با نسبت سرمایه به دارایی‌های موزون‌شده بر حسب ریسک است.

فرمول استاندارد کفایت سرمایه

$$\text{نسبت کفایت سرمایه استاندارد} = \frac{\text{سرمایه قانونی}}{\text{دارایی های موزون شده برحسب ریسک (اعتباری + بازار) وجوه مربوط به حسابهای سرمایه گذاری مشارکت در سود} - \text{کل دارایی های موزون شده برحسب ریسک (اعتباری + بازار) + وزن ریسک عملیاتی}}$$

در فرمول استاندارد کفایت سرمایه ارائه‌شده توسط این سازمان کفایت سرمایه از نسبت سرمایه به دارایی‌های موزون‌شده به ریسک محاسبه می‌شود یعنی در مخرج آن دارایی‌های

*. در این حالت، سپرده‌گذار بانک را در خصوص مکان، مقدار و هدف سرمایه‌گذاری محدود نموده و وی را مجبور می‌سازد که سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری‌های آنان را به هیچ طریقی در موارد ریسکی و یا بدون ضامن و وثیقه سرمایه‌گذاری نکند.

**. در این حالت، بانک اسلامی قادر است سرمایه‌های گوناگون خود از جمله منابع حساب‌های جاری را با وجود این سپرده‌گذاران در هم آمیخته و از ترکیب آنان در سرمایه‌گذاری‌های مختلف استفاده نماید.

www.SID.ir

Archive of SID

تأمین مالی‌شده توسط حساب‌های سرمایه‌گذاری سهیم در سود محدود و غیر محدود، محاسبه نمی‌شود و همچنین ساختار محاسباتی دارایی‌های موزون شده به ریسک بدون درنظرگرفتن ریسک تجاری جابه‌جایی وجوه در نظر گرفته شده است.

فرمول انعطاف‌پذیر (دیدگاه ناظر) نسبت کفایت سرمایه

$$\text{نسبت کفایت سرمایه انعطاف پذیر} = \frac{\text{سرمایه قانونی}}{\text{دارایی های موزون شده برحسب ریسک (اعتباری+ بازار) مربوط به وجوه ذخیره برابر سازی سود و ذخیره ریسک سرمایه گذاری} \times (\alpha) - \text{دارایی های موزون شده بر حسب ریسک (اعتباری + بازار) مربوط به وجوه حساب سرمایه گذاری مشارکت در سود} \times (1-\alpha) - \text{کل دارایی های موزون شده برحسب ریسک (اعتباری + بازار) + وزن ریسک عملیاتی}}$$

کمیته بازل میانگین اوزان ریسکی را برای مدل‌های فروش اقساطی کالاهای بادوام ۵۰ درصد و برای بقیه دارایی‌ها ۱۰۰ درصد اعلام نموده است؛ اما این واقع‌بینانه نیست که قراردادهای اسلامی چنین ریسک بالایی داشته باشند؛ ازاین‌رو به جای اینکه ضریب ریسک ۱۰۰ درصد و ۵۰ درصد برای عقود (قرارداد) اسلامی لحاظ شود، در استانداردهای ارائه‌شده توسط سازمان خدمات مالی اسلامی، برای هر یک از عقود ضرایب ریسک ویژه آن عقد که توسط بانک توسعه اسلامی به سرپرستی *طریق‌الله خان* و همکاری *احمد* (۲۰۰۱) محاسبه شد، لحاظ می‌شود. نتایج این پژوهش به‌صورت جدول زیر می‌باشد:

قبل از ارائه جدول مناسب است مقیاس لیکرت را توضیح مختصر بدهیم این مقیاس یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری در تحقیقاتی است که بر اساس پرسشنامه انجام می‌شود و توسط *رنسیس لیکرت* (۱۹۰۳ـ۱۹۸۱) ابداع شده است. در این مقیاس یا طیف محقق با توجه به موضوع تحقیق خود، تعداد گویه را در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌دهد که بر اساس گویه‌ها و پاسخ‌های چندگانه، میزان گرایش خود را مشخص کنند. معمولاً در مقیاس لیکرت از حالت پنج‌گانه استفاده می‌شود که یک بیانگر کاملاً موافق و ۵ بیانگر کاملاً مخالف است؛ اما می‌توان از حالت ۷ و ۹ گانه نیز استفاده کرد. سپس هر یک از گویه‌ها از نظر عددی ارزش‌گذاری می‌شوند، حاصل این ارزش‌ها نمره را در این مقیاس به دست می‌دهد که بیانگر گرایش پاسخ‌دهندگان است. رتبه‌بندی بر اساس طیف لیکرت دارای مقیاسی از ۱ تا ۵ است که عدد ۱ نشان‌دهنده «ریسک ندارد» و عدد ۵ نشان‌دهنده

www.SID.ir

Archive of SID

«به‌طور بحرانی ریسکی» می‌باشد. به‌طورکلی هر قدر به سمت عدد ۵ پیش می‌رویم نشان‌دهنده ریسکی‌بودن قرارداد مورد نظر است.

جدول شماره ۲: ضرایب ریسک عقود اسلامی

ریسک عقود	اعتباری		بازار		نقدینگی		عملیاتی	
	مقیاس لیکرت	درصد	مقیاس لیکرت	درصد	مقیاس لیکرت	درصد	مقیاس لیکرت	درصد
مرابحه	۲,۵۶	۵۱,۲	۲,۸۷	۵۷,۴	۲,۶۷	۵۳,۴	۲,۹۳	۵۸,۶
مضاربه	۳,۲۵	۶۵	۳,۰	۶۰	۲,۴۶	۴۹,۲	۳,۰۸	۶۱,۶
مشارکت	۳,۶۹	۷۳,۸	۳,۴	۶۸	۲,۹۲	۵۸,۴	۳,۱۸	۶۳,۶
اجاره	۲,۶۴	۵۲,۸	۲,۹۲	۵۸,۴	۳,۱	۶۲	۲,۹	۵۸
استصناء	۳,۱۳	۶۲,۶	۳,۵۷	۷۱,۴	۳,۰	۶۰	۳,۲۹	۶۵,۸
سلم	۳,۲۰	۶۴	۳,۵۰	۷۰	۳,۲۰	۶۴	۳,۲۵	۶۵
مشارکت کاهشی	۳,۳۳	۶۶,۶	۳,۴	۶۸	۳,۳۳	۶۶,۶	۳,۴	۶۸

منبع: Khan & Ahmed, 2001

پیشینه تحقیق

در ادامه، پژوهش‌های انجام‌شده‌ای که نزدیک‌ترین قرابت را با پژوهش حاضر دارند در دو بخش مجزا با عنوان مطالعات داخلی و مطالعات خارجی به اختصار مرور گشته‌اند:

الف) مطالعات داخلی

محمودوند و *محمدی* (۱۳۸۶) به بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلاتی که با استفاده از عقود اسلامی پرداخته شده‌اند در بانک‌ها و مؤسسات مالی پرداخته‌اند. ایشان به‌صورت تصادفی میزان تسهیلات پرداختی با استفاده از عقود مضاربه، جعاله، فروش اقساطی و قرض‌الحسنه را در بانک ملی ایران شعبه شهرستان تویسرکان در سال

www.SID.ir

Archive of SID

۱۳۸۴ انتخاب کرده‌اند. نتایج تحقیقات آنها حاکی از آن است که تمرکز ریسک در پرتفوی تسهیلات که با عقود اسلامی پرداخت می‌شود کم است.

منظور و یادی‌پور (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی» به بررسی جایگاه کفایت سرمایه به عنوان معیاری برای تشخیص سلامت بانک‌ها با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی، پرداخته‌اند. برای نشان‌دادن متفاوت‌بودن نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی داده‌های مربوط به بانک ملی ایران بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ را با استفاده از ریسک تعیین‌شده توسط *طریق‌الله خان* برای عقود اسلامی بررسی می‌کنند. نتایج نشان‌دهنده بالاتربودن نسبت کفایت سرمایه برای بانک ملی در سال‌های مورد مطالعه با درنظرگرفتن ریسک‌های مختص عقود اسلامی به نسبت حالت متعارف و درنظرگرفتن ریسک ۱۰۰ درصد برای عقود می‌باشد.

پاشایی فام (۱۳۹۱) به بررسی نقش مقررات و اصول کمیته بازل در نظام بانکی کشور با تأکید بر ارزیابی ریسک‌های مرتبط با عقود اسلامی با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی پرداخته است. یافته‌های ایشان حاکی از آن است که به دلیل ماهیت بانکداری اسلامی و سازوکار متناظر با آن، به‌طور یقین تجدیدنظر در بیانیه کمیته بازل درباره نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی امری ضروری است. علاوه بر این ازآنجایی‌که نظام بانکداری ایران اسلامی بوده رعایت اصول هیئت مالی اسلامی در مورد نسبت کفایت سرمایه حائز اهمیت است. در ادامه به منظور رعایت محدودیت در تعداد صفحات مقاله ادامه مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه به‌صورت اختصار در جدول زیر مرور گشته‌اند:

نام نویسنده	سال	روش تحقیق	عنوان مقاله	نتایج
فلاح شمس و عباس‌زاده	۱۳۸۶	تحلیلی توصیفی	مقایسه تطبیقی کفایت سرمایه در بازل ۱ و ۲.	کفایت سرمایه به اندازه بانک، حجم عملیات و داده‌ها در دسترس برای وزن‌دهی ریسک هر یک از دارایی‌ها بستگی دارد.
پهلوان‌زاده	۱۳۸۶	تحلیلی توصیفی	مروری بر رویکرد کفایت سرمایه در بازل ۱ و ۲.	بانک‌های ایران در کاربرد الزامات بازل در زمینه کفایت سرمایه ضعیف هستند.

www.SID.ir

Archive of SID

مهرآرا و مهرانفر	۱۳۹۲	روش اقتصاد سنجی	عملکرد بانکی و عوامل کلان اقتصادی در مدیریت ریسک.	نسبت نقدینگی، سودآوری، کارایی عملیاتی، اثر مثبت، تورم و ریسک اعتباری اثر منفی بر کفایت سرمایه دارند.
خوشنود و اسفندیاری	۱۳۹۵	روش اقتصاد سنجی	وام‌دهی بانکی و کفایت سرمایه.	عدم تأمین ثبات مالی بر اساس سازوکار تعدیل نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های ایران.

ب) مطالعات خارجی

عبیدالله (Mohammaed Obaidullah, 1998) در پژوهش خود با عنوان «قاعده کفایت سرمایه برای مؤسسات مالی اسلامی» با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی استدلال می‌کند کاربرد یکسان کفایت سرمایه برای هر دو بانک اسلامی و متعارف تبعیض‌آمیز بوده و مغایر با هدف قوانینی است که در صدد ایجاد شرایط یکسان رقابتی برای بانک‌ها در سراسر جهان هستند. دلیل این امر در متفاوت‌بودن کارکرد سیستم بانکداری اسلامی به لحاظ ریسک و مقدار آن از بانکداری متعارف است.

ترک آریس و سری الدین (Rima Turk Ariss and Yolla Sarieddine, 2007) در پژوهشی با عنوان «چالش‌های اجرای الزامات کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی» با روش تحلیلی ـ توصیفی به بررسی نسبت کفایت سرمایه ارائه‌شده توسط IFBS (Islamic Financial Services Board) و AAOIFI (Accounting and Auditing Organization For Islamic Financial Institutions) می‌پردازند و بیان می‌کنند ازآنجایی‌که بانک‌های اسلامی از قاعده PLS استفاده می‌کنند در نتیجه سپرده‌گذاران در این سیستم نقش خنثی ندارند. علاوه بر این به خاطر اینکه در فعالیت‌های اسلامی از دارایی‌های واقعی حمایت می‌شود، دچار ریسک‌های خاص فعالیت‌های اسلامی از جمله ریسک قیمت و ریسک امانت‌داری می‌شوند که باید در وزن‌دهی دارایی‌های در نسبت کفایت سرمایه لحاظ شوند؛ بنابراین باید نسبت کفایت سرمایه متفاوتی برای بانک‌های اسلامی توسط کمیته بازل در نظر گرفته شود.

www.SID.ir

Archive of SID

زینس و ویل (Alexandra Zins and Laurent Weill, 2017) در پژوهش «بانکداری اسلامی و ریسک؛ تأثیر بازل ۲» به بررسی تأثیرات الزامات کفایت سرمایه بازل ۲ بر مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی و متعارف پرداخته با استفاده از نتایج تحلیل رگرسیونی داده‌ها بیان می‌کنند که قوانین ارائه‌شده در زمینه کفایت سرمایه در بیانیه بازل ۲، فاصله ریسک بین بانک‌های متعارف و بانک‌های اسلامی را به ضرر بانک‌های اسلامی بیشتر می‌کند. از طرفی استاندارد بازل ۲ ریسک‌های مربوط به دارایی‌های اسلامی را در برنمی‌گیرد و بیان می‌کنند که اجرای این قوانین در کشورهایی که بانکداری اسلامی را اجرا می‌کنند مانع ثبات مالی مخصوصاً در کشورهایی می‌شود که فقط بانکداری اسلامی را اجرا می‌کنند. دیگر مطالعات انجام‌شده در این زمینه به اختصار در جدول ذیل بررسی شده است:

نام نویسنده	سال	روش تحقیق	عنوان مقاله	نتایج
مولهیوان و همکاران	۲۰۰۷	تحلیلی توصیفی	یک چارچوب کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی	عدم توجه به عامل نماینده و امانت‌داری در اسلامی و عدم استفاده از کفایت سرمایه به دلیل استفاده از PLS.
رجهی حسیری	۲۰۰۷	تحلیلی توصیفی	ساختار سرمایه و ریسک مالی در سیستم بانکداری غیر متعارف	بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف در مدیریت ریسک یکسان عمل می‌کنند.
دالا پلگرینا	۲۰۰۸	روش اقتصادسنجی	نسبت کفایت سرمایه، کارایی، حکومت: مقایسه بین بانک اسلامی و غربی	نسبت سرمایه به سپرده بر ناکارآمدی در هر دو سیستم اثر منفی دارد؛ ولی این اثر در اسلامی کمتر است.
میانی و دارادکا	۲۰۰۹	تحلیلی توصیفی	بانکداری اسلامی و بازل ۲	نسبت کفایت سرمایه برای بانک های اسلامی باید بیشتر از ۸ درصد باشد به دلیل فعالیت در محیطی با ریسک بازل.

www.SID.ir

Archive of SID

لال	۲۰۰۹	تحلیلی توصیفی	چرا بازل ۲ شکست خورد و بازل ۳ نابود شد.	قوانین بازل ۲ عامل بحران ۲۰۰۸ هستند به دلیل دادن وام رهنی با ریسک بازل.
عبدالکریم و همکاران	۲۰۱۴	روش اقتصادسنجی	کفایت سرمایه و رفتار وام‌دهی و سپرده‌گیری بانک‌های متعارف و اسلامی.	وجود رابطه‌ای مثبت بین کفایت سرمایه و وام‌دهی و سپرده‌گیری در هر دو سیستم بانکداری و بانکداری اسلامی به دلیل استفاده از قاعده PLS دارای ریسک کمتر.

در مطالعات پیشین دو نوع دیدگاه در زمینه به‌کارگیری نسبت کفایت سرمایه برای سیستم بانکداری بدون ربا در دنیا وجود دارد. گروه اول اعتقاد دارند کاربرد نسبت کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا به دلیل شرایط متفاوت بانکداری بدون ربا از بانکداری متعارف کاربرد ندارد. گروه دوم معتقدند کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا کاربرد دارد؛ اما به دلیل به‌کارگیری عقود اسلامی و استفاده از قاعده PLS توسط بانکداری بدون ربا، باید تغییراتی در نسبت کفایت سرمایه توسط کمیته بازل لحاظ گردد. در این پژوهش با فرض قابلیت کاربرد مفهوم نسبت کفایت سرمایه در بانکداری بدون ربا تلاش می‌شود با ارائه تحلیل‌هایی متفاوت و بدیع از ریسک‌های بانکی نشان داده شود که ریسک‌های مرتبط با این نوع بانکداری کمتر از ریسک‌های بانک‌های متعارف بوده و لذا نسبت کفایت سرمایه می‌تواند متناسب با کاهش ریسک، کاهش یابد.

نگاهی دوباره به ریسک در بانکداری قراردادهای موازی

با توجه به ماهیت متفاوت بانکداری بدون ربا با رویکرد قراردادهای موازی نسبت به بانکداری متعارف این سؤال طرح می‌شود که آیا همین الزامات کفایت سرمایه مطرح در بانکداری متعارف را باید در بانکداری بدون ربا هم رعایت نمود یا خیر؟ لذا بحثی مطرح می‌شود که آیا استفاده از عقود اسلامی در بانکداری بدون ربا با مدل قراردادهای موازی، منجر به کاهش ریسک‌های بانکی نسبت به بانکداری متعارف می‌گردد یا سبب افزایش آن می‌شود؟ با توجه به آنکه نحوه پاسخ به این سؤال، میزان اهمیت نسبت کفایت سرمایه را

www.SID.ir

Archive of SID

در این نوع بانکداری بدون ربا نتیجه می‌دهد، در ادامه مقاله مهم‌ترین ریسک‌های بانکی در این نوع بانکداری مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

عمده‌ترین ریسک‌هایی که بانکداری بدون ربا با آنها مواجه است شامل ریسک اعتباری (نکول)، نقدینگی، بازار و عملیاتی (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷، ص۱۵۰/ خان و حبیب احمد، ۲۰۰۱) به همراه ریسک تجاری جایگزین‌شده (Displaced Commercial Risk) می‌شود (ترک آریس و یولا سری الدین، ۲۰۰۷/ مونتانرو، ۲۰۱۰). اولین ریسک و به نوعی مهم‌ترین ریسک مطرح در عملیات بانکداری بدون ربا مربوط به ریسک اعتباری (نکول) است؛ لذا در ابتدا میزان مواجهه بانک با این ریسک در شرایط بستن قراردادهای مختلف به تفکیک بررسی می‌شود:

حالت اول) عقود مشارکتی: برای بررسی این موضوع فرض می‌شود که بانک وارد یک قرارداد مشارکتی با طرف متقاضی تسهیلات شده که می‌توان حالت‌های زیر را برای این قرارداد متصور شد:

الف) اگر پروژه سودده باشد در این صورت اگر تسهیلات‌گیرنده به قرارداد پایبند باشد و اصل سرمایه بانک و سهم سودش را برگرداند، در این صورت بحث نکول و ریسک اعتباری مطرح نمی‌باشد.

ب) اگر پروژه سودده باشد؛ اما تسهیلات‌گیرنده به قرارداد پایبند نباشد و اصل سرمایه و سهم سود بانک را برنگرداند، در این صورت بانک دچار ریسک نکول می‌گردد؛ اما به منظور جلوگیری از این فرایند بانک می‌تواند در تمام مراحل قرارداد نظارت مستقیم بر آن داشته و برای مثال قید کند در هر بار معامله موضوع شراکت، پول حاصل از این فرایند ابتدا به حساب بانکی مالک سرمایه (بانک) واریز شود. از طرفی بانک در ضمن عقد قرارداد می‌تواند اقدام به دریافت ضمانت کافی از تسهیلات‌گیرنده به عمل آورد و از این طریق مطالبات خود را دریافت کند؛ بنابراین امکان نکول توسط تسهیلات‌گیرنده به حداقل ممکن خواهد رسید.

ج) پروژه تحت قرارداد ضرر کند. در این صورت بانک نیز به عنوان شریک سرمایه-گذاری نه‌تنها مازادی را به عنوان سود دریافت نمی‌کند که بخشی از بار زیان در سرمایه را هم بر دوش می‌کشد؛ لذا دیگر بحث نکول تسهیلات‌گیرنده مطرح نخواهد بود؛ زیرا در

www.SID.ir

Archive of SID

قبال سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته یک بخش حقیقی در اقتصاد و دارایی عینی در جهان واقع وجود دارد که نمی‌توان آن را از بانک سلب کرد. این موضوع در مصادیق مختلف عقود مشارکتی مانند مضاربه، مشارکت مدنی و حقوقی صادق است.

حالت دوم) عقود مبادله‌ای: در این عقود مانند فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، که به نوعی بازدهی ثابت دارند ذاتاً امکان ایجاد نکول و بدهی وجود ندارد؛ زیرا اولاً، همانند عقود مشارکتی در قبال انجام موضوع قرارداد، دارایی عینی در جهان واقع وجود دارد و ثانیاً، تا زمانی که تسویه نهایی صورت نگیرد عینی که در قالب این عقود وجود دارد در مالکیت و یا رهن بانک قرار دارد؛ از طرفی در این نوع از عقود نیز بانک همانند عقود مشارکتی در ابتدای انعقاد قرارداد اقدام به دریافت ضمانت از شخص تسهیلات‌گیرنده می‌کند که در صورت نکول از طریق وثایق اقدام به دریافت طلب خود کند؛ اما در برخی عقود مبادله‌ای مانند جعاله، امکان ایجاد بدهی و نکول وجود دارد چراکه بانک نه همانند عقود مشارکتی شریک است و نه مانند فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک مال را در رهن و یا مالکیت خود دارد؛ برای مثال اگر شخص متقاضی تسهیلات، خواستار تعمیرات منزل مسکونی خود از جانب بانک باشد و در قبال آن قرار باشد اجرتی را به‌صورت اقساطی به بانک پرداخت کند، در این صورت بعد از اتمام پروژه هیچ عینی در تملک و رهن بانک وجود ندارد و چنانچه تسهیلات‌گیرنده اقساط خود را پرداخت نکند، امکان ایجاد بدهی وجود دارد؛ اما در این حالت نیز بانک می‌تواند با دریافت وثایق معتبر مبنی بر تأمین، احتمال ایجاد نکول را کاهش دهد.

بنابراین در مدل بانکداری قراردادهای موازی امکان ایجاد ریسک اعتباری (نکول) به عنوان مهم‌ترین ریسک بانکداری بدون ربا، نسبت به بانکداری متعارف کمتر است. در نتیجه به نظر می‌رسد اهمیت کفایت سرمایه به منظور جلوگیری از ورشکستگی ناشی از ریسک اعتباری (نکول) هم در این نوع بانکداری نسبت به بانکداری متعارف کمتر است.

ریسک بعدی ریسک نقدینگی می‌باشد. این ریسک عبارت است از ریسک ناشی از نبود نقدینگی لازم به منظور پوشش تعهدات کوتاه‌مدت و خروجی‌های غیر منتظره وجوه از بانک. محققان در بسیاری از مطالعات به دلایل ذیل ریسک نقدینگی را برای بانک‌های بدون ربا بیشتر از متعارف می‌دانند:

www.SID.ir

Archive of SID

۱. تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌هایی که توسط بانک اسلامی صورت می‌گیرد، معمولاً دارای سررسید نسبتاً بلندمدت هستند.
۲. سپرده‌هایی که جذب می‌شوند معمولاً دارای سرسید کوتاه‌مدت و میان‌مدت می‌باشند.
۳. بازار ثانویه فعال (بازار سرمایه و پول) برای اوراق وام و تسهیلات اعطایی بانک‌های بدون ربا وجود ندارد.
۴. دارایی‌های مالی اسلامی به دلیل ماهیت و بعضاً به دلیل مسائل فقهی، قدرت نقدشوندگی پایین‌تری دارند.
۵. ممنوعیت سرمایه‌گذاری با ابزارهای مبتنی بر بهره، ریسک نقدینگی این بانک‌ها را افزایش می‌دهد (کاظمی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص۳۹).

اما به رغم این اظهارنظرها به نظر می‌رسد با دقت نظر در ماهیت بانکداری بدون ربا می‌توان استدلال کرد ریسک نقدینگی در بانکداری قراردادهای موازی نه‌تنها از بانکداری متعارف بیشتر نیست بلکه می‌تواند کمتر هم باشد. دلیل این امر آن است که در بانکداری متعارف این امکان وجود دارد که سپرده‌گذار زودتر از موعد مقرر به بانک مراجعه کند و پول خود را طلب نماید که این مسئله تحت شرایطی از جمله گستردگی مراجعات می‌تواند بانک متعارف را با ریسک نقدینگی مواجه کند؛ اما در بانکداری قراردادهای موازی اگر قرارداد از نوع لازم باشد امکان فسخ قرارداد توسط سپرده‌گذار وجود ندارد و درصورتی‌که عقد جایز باشد ـ مانند مشارکت و مضاربه ـ در این صورت سپرده‌گذار مجبور به پرداخت خسارت ناشی از فسخ قرارداد در حین اجرا می‌شود که معمولاً قابل ملاحظه است؛ بنابراین برای فرار از این زیان، به‌طور معمول قرارداد را تا اتمام دوره فسخ نمی‌کند که این موضوع می‌تواند از عوامل کاهش ریسک نقدینگی برای بانکداری بدون ربا تلقی شود؛ به عبارت دیگر رجوع به بانک برای دریافت نقدینه در بانکداری بدون ربا از بانکداری متعارف مشکل‌تر است؛ لذا ریسک نقدینگی در این نوع بانکداری پایین‌تر می‌باشد.

اما از حیث ماهیت زمانی قراردادها هم می‌توان چنین بیان داشت که برخی از عقود مانند مضاربه کوتاه‌مدت هستند و از ریسک نقدینگی پایین‌تری برخوردارند نسبت به عقودی مانند مشارکت و اجاره به شرط تملیک که بلندمدت می‌باشند؛ همچنین برخی از

www.SID.ir

Archive of SID

عقود که امکان خرید و فروش اوراق آنها در بازار ثانویه وجود دارد قابلیت نقدشوندگی بالاتری دارند و می‌توانند ریسک نقدینگی کمتری را متحمل شوند.

بحث دیگری که در خصوص ریسک نقدینگی مطرح می‌باشد، این است که ریسک نقدینگی در بسیاری موارد در صورت بروز نکول و به دلیل ریسک اعتباری در قراردادهای کوتاه‌مدت و بلندمدت رخ می‌دهد؛ اما همان‌طوری‌که در بخش پیشین بحث شد ماهیت عقود اسلامی به‌گونه‌ای هستند که امکان بروز ریسک اعتباری را برای بانک بدون ربا کاهش می‌دهند؛ ازاین‌رو می‌توان استدلال کرد ازآنجایی‌که امکان ایجاد ریسک اعتباری (نکول) در بانکداری قراردادهای موازی کمتر هست بنابراین به تبع آن، امکان بروز ریسک نقدینگی در این حالت نیز کمتر از بانکداری متعارف خواهد بود و همین امر منجر به کاهش نیاز به نگهداری کفایت سرمایه برای بانکداری قراردادهای موازی نسبت به بانکداری متعارف می‌گردد.

ریسک بعدی که می‌تواند در بانکداری مطرح شود، ریسک بازار می‌باشد. ریسک بازار را می‌توان ناشی از تغییرات جاری و آینده ارزش بازاری دارایی‌های خاص دانست؛ برای نمونه می‌توان به ریسکی که ناشی از تغییرات نرخ سوددهی، تغییرات قیمت، بهره و ... است، اشاره کرد.

در زمینه تغییرات نرخ بهره باید بیان کرد ازآنجایی‌که در سیستم بانکداری بدون ربا قراردادهای مبتنی بر بهره ممنوع است پس این ریسک نمی‌تواند در این نوع بانکداری مطرح باشد البته با این پیش‌فرض که در کشور، نظام بانکی دوگانه ـ مانند مالزی ـ و همچنین مراودات مالی بین‌المللی وجود نداشته باشد. البته حتی درصورتی‌که چنین فرض‌هایی هم صادق نباشد، باز به دلیل ممنوعیت و عدم کاربرد نرخ بهره در بخشی از سیستم مالی، قابل انتظار است که سطح نوسانات و حیطه تأثیرگذاری تغییرات نرخ بهره نسبت به سیستم متعارف کمتر بوده؛ فلذا باز هم ریسک نرخ بهره کمتری را شاهد باشیم.

در زمینه تغییرات قیمت باید بیان کرد که این ریسک یک ریسک سوداگرانه است که ممکن است اثر مثبتی برای بانک داشته باشد یا ممکن است تغییرات آن به ضرر بانک تمام شود؛ برای نمونه فرض شود بانک وارد یک قرارداد مشارکت حقوقی شده و اقدام به خرید سهام یک شرکت کرده است. حال اگر شرایط تورمی حاکم شود و قیمت کالای تولیدی

www.SID.ir

Archive of SID

شرکت افزایش یابد، در نتیجه افزایش قیمت سهام آن شرکت و به احتمال زیاد شناسایی سود مثبت برای آن، مورد انتظار است که این بدان معناست که ریسک تغییر قیمت به نفع بانک تمام شده است. برعکس حالت فوق نیز امکان‌پذیر است یعنی زمانی که تغییرات قیمت به ضرر بانک تمام می‌شود؛ بنابراین در مورد ریسک‌های سوداگرانه، صِرف مواجه‌بودن یک بانک با ریسک به معنای بدبودن شرایط آن بانک نیست ضمن آنکه ریسک مشارکت بانک در خرید سهام یک شرکت در بانکداری متعارف هم به‌طور محدود وجود دارد؛ اما مواجهه بانک‌های بدون ربا با این ریسک می‌تواند بیشتر باشد؛ برای نمونه فرض می‌شود بانک وارد یک قرارداد سلف شود و اقدام به خرید نقدی کالا کند برای فروش قسطی پس از تحویل‌گرفتن کالا در آینده؛ حال اگر قیمت کالا در زمان سررسید کاهش یابد بانک دچار ریسک منفی ناشی از تغییرات قیمت کالا می‌شود البته همانند مثال قبل برعکس این وضعیت هم قابل تصور است یعنی در زمان تحویل، تغییرات مثبت قابل ملاحظه‌ای در قیمت نقد کالا پدید بیاید طوری‌که فروش نسیه آن از سودآوری بالایی برخوردار گردد؛ لذا اگرچه ریسک تغییرات قیمت در بانکداری بدون ربا بیشتر است اما به دلیل سوداگرانه‌بودن چنین ریسکی، بالابودن آن به معنای بدبودن شرایط بانک نیست. در زمینه عقود با بازدهی ثابت ـ مانند فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک ـ هم باید ذکر گردد ازآنجایی‌که بانک همواره سود ثابت برای خود در نظر می‌گیرد بنابراین نمی‌توان ریسک قیمت را در این عقود برای بانکداری بدون ربا در نظر گرفت.

در زمینه ریسک تغییرات قیمت نکته حائز اهمیت دیگر آن است که در بانکداری بدون ربا مبتنی بر رویکرد قراردادهای موازی بانک می‌تواند طوری عمل کند که در نهایت ریسک‌های مضر ـ از جمله ریسک منفی تغییرات قیمت ـ به‌طورکلی یا جزئی به سپرده‌گذار منتقل شود که در ادامه توضیح داده می‌شود. همان‌طورکه در بخش پیشین بیان شد، در مدل قراردادهای موازی بانک هم می‌تواند با هر دو طرف سپرده‌گذار و تسهیلات‌گیرنده وارد یک قرارداد سرمایه‌گذاری خاص گردد که مبتنی بر یک عقد معیّن است و نیز می‌تواند با طرف اول (سپرده‌گذار) قرارداد سرمایه‌گذاری عام منعقد کند و در طرف دیگر با تسهیلات‌گیرنده وارد یک قرارداد سرمایه‌گذاری خاص شود که ممکن است مبتنی بر یک عقد مشارکتی و یا مبادله‌ای باشد. برای تشریح‌کردن نقش

www.SID.ir

Archive of SID

کفایت سرمایه در مدل بانکداری قراردادهای موازی برای نمونه به بیان مثال‌هایی در زمینه عملکرد این نوع از بانکداری در حالت‌های مختلف پرداخته شده و سپس نقش و اهمیت کفایت سرمایه در این مدل بانکداری تبیین خواهد شد.

الف) بانک با هر دو طرف، قرارداد مالی خاصی منعقد می‌کند:

۱. قرارداد مضاربه: شخص سپرده‌گذار به بانک مراجعه می‌کند و پیشنهاد یک قرارداد مضاربه مثلاً واردات کالا از خارج کشور را به مبلغ ۱۰۰ تومان می‌دهد به صورتی که در این قرارداد در صورت کسب سود، به میزان ۵۰ درصد سپرده‌گذار و ۵۰ درصد بانک، سود تقسیم شود. در طرف دیگر، بانک همین مبلغ را به‌صورت مضاربه در اختیار شخصی (تسهیلات‌گیرنده) که توانایی واردکردن کالای مورد نیاز را دارد، با شرط ۶۰ درصد سهم بانک از سود و ۴۰ درصد سهم تسهیلات‌گیرنده، قرار می‌دهد. لازم است ذکر شود که در قرارداد مضاربه ضرر بر عهده مالک سرمایه است. با درنظرگرفتن شرایط فوق فرض می‌شود که پروژه به اندازه ۲۰ تومان ضرر می‌کند؛ بنابراین تسهیلات‌گیرنده در مرحله اول ۸۰ تومان باقی‌مانده از قرارداد را به بانک برمی‌گرداند و کل ضرر در این مرحله بر عهده بانک می‌باشد؛ اما از طرف دیگر بانک نیز طبق قراردادی که با سپرده‌گذار منعقد کرده بود، مبلغ ۸۰ تومان را به سپرده‌گذار برمی‌گرداند؛ به عبارتی ضرر در حالت نهایی بر دوش سپرده‌گذار گذاشته می‌شود؛ چراکه طبق قانون مضاربه ضرر بر عهده صاحب سرمایه است. همان‌طور که ملاحضه گردید، با اینکه پروژه ضرر کرده بود؛ ولی ضرری متوجه بانک در این حالت نمی‌شود و بانک در معرض ورشکستگی قرار نمی‌گیرد.

۲. قرارداد مشارکت: در این حالت فرض بر این است که سپرده‌گذار و بانک وارد یک قرارداد مشارکتی می‌شوند با این شرایط که آورده هر یک ۵۰ تومان باشد و همچنین درصد تقسیم سود و زیان نیز به‌صورت مساوی بین هر دو طرف باشد. در مرحله بعدی بانک وارد یک قرارداد مشارکت با تسهیلات‌گیرنده می‌شود با این شرط که آورده هر یک ۱۰۰ تومان باشد. اگر پروژه زیان‌ده باشد، بانک نیز به دلیل اینکه در سود و زیان با سپرده‌گذار شریک است، دچار ریسک تجاری ناشی از ضرر پروژه می‌شود و اهمیت کفایت سرمایه در این حالت نسبت به حالت مضاربه و دیگر عقود اسلامی برای بانکداری بدون ربا بیشتر می‌شود؛ اما باید توجه کرد در این حالت بانک بدون ربا تنها ۲۵ درصد کل ضرر را متحمل

www.SID.ir

Archive of SID

می‌شود و نیمی از زیان را بر دوش سپرده‌گذار منتقل می‌کند (یعنی ۵۰ درصد از ۵۰ درصد) که همین عامل منجر به کاهش اهمیت نسبت کفایت سرمایه برای بانکداری بدون ربا می‌گردد.*

ب) بانک با سپرده‌گذار سرمایه‌گذاری عام و با تسهیلات‌گیرنده قرارداد مالی اسلامی خاصی می‌بندد؛ در این حالت که بانک وارد یک قرارداد سرمایه‌گذاری عام با سپرده‌گذار شده است، می‌تواند با سپرده‌گذار وارد تمام عقود اسلامی مشارکتی و مبادله‌ای شود؛ اما همان‌طورکه در بخش قبلی بررسی شد، در حالت مشارکت بانک بخشی از زیان را به دلیل درگیرشدن پول خود در پروژه بر عهده می‌گیرد؛ ازاین‌رو در بیشتر بانک‌های اسلامی غالباً از عقد مضاربه و عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت توسط بانک‌ها استفاده می‌شود تا در صورت زیان‌بودن پروژه بتوانند زیان را به سپرده‌گذار انتقال دهند؛ بنابراین فرض بر این است که بانک از عقود اسلامی مانند مضاربه، مرابحه و ... در بخش تأمین مالی منابع با سپرده‌گذار استفاده کرده است و در قسمت تسهیلات‌دهی نیز وارد قرارداد مشارکت با تسهیلات‌گیرنده شده است. با درنظرگرفتن این شرایط فرض می‌شود که آورده سپرده‌گذار ۵۰ تومان و همچنین درصد تقسیم سود و زیان نیز به‌صورت مساوی بین هر دو طرف (بانک و سپرده‌گذار) است. در مرحله بعدی بانک وارد یک قرارداد مشارکت با تسهیلات-گیرنده می‌شود با این شرط که آورده هر یک ۵۰ تومان باشد؛ به عبارت دیگر بانک ۵۰ تومان آورده سپرده‌گذار را وارد قرارداد می‌کند بدون اینکه خود سرمایه‌ای به میان آورده باشد. درصد تقسیم سود و زیان با تسهیلات‌گیرنده می‌تواند حالت‌های متفاوتی داشته باشد که به بررسی هر یک در ادامه پرداخته می‌شود. با درنظرگرفتن شرایط فوق فرض می‌شود پروژه شراکت با ضرر مواجه می‌شود در این صورت دو حالت می‌تواند در نظر گرفته شود:

*. همان‌طورکه در قرارداد مشارکت نشان داده شد، در این قرارداد بانکداری بدون ربا دچار ریسک تجاری می‌گردد و نمی‌توانند همانند عقود مبادله‌ای که دارای بازده ثابت می‌باشند و همچنین قرارداد مضاربه که تمام زیان را به دوش سپرده‌گذار می‌اندازد از زیر بار ریسک تجاری شانه خالی کند؛ ازاین‌رو همین عامل می‌تواند دلیلی باشد مبنی بر اینکه در بانکداری بدون ربایی که در کشورهای مختلف اجرا می‌شود از قرارداد مضاربه استفاده می‌کنند و کمتر تن به قراردادهای مشارکت می‌دهند.

www.SID.ir

Archive of SID

الف) در صورت وجود سود، ۶۰ درصد سهم بانک و ۴۰ درصد سهم تسهیلات گیرنده باشد؛ اما ضرر به‌صورت مساوی بین هر دو تقسیم شود. در این حالت ازآنجایی‌که بانک با سپرده‌گذار به‌صورت مساوی در سود و زیان بسته است؛ بنابراین در حالت سود، ۱۰ درصد به دست می‌آورد و در حالت زیان هیچ زیانی متوجه بانک نمی‌شود و همه زیان به سپرده‌گذار انتقال می‌یابد.

ب) در صورت سود، ۶۰ درصد سهم بانک و ۴۰ درصد سهم تسهیلات گیرنده باشد؛ اما در صورت ضرر، ۴۰ درصد سهم بانک و ۶۰ درصد سهم تسهیلات‌گیرنده باشد. در این حالت نیز ازآنجایی‌که بانک با سپرده‌گذار به‌صورت مساوی در سود و زیان بسته است، بانک ضرر خود را بر عهده سپرده‌گذار منتقل می‌کند و هیچ زیانی متوجه بانک نمی‌شود*.

با توجه به مثال‌های فوق‌الذکر می‌توان چنین استنباط کرد که در حالتی که قراردادها به‌صورت مبادله‌ای موازی بسته می‌شوند، می‌توان شرایطی را برقرار کرد که بانک سود ثابت به دست آورد؛ اما در قراردادهایی که به‌صورت مشارکتی موازی هستند مانند مضاربه احتمال دارد بانک سود نکند؛ ولی ضرر نیز نمی‌کند. در این صورت احتمال ورشکستگی بانک نیز مطرح نمی‌شود؛ زیرا در هر حالت بانک به نحوی ضرر حاصل از قراردادهای موازی ـ در مضاربه به‌صورت ۱۰۰ درصد و در مشارکت به‌صورت جزئی ـ را بر عهده سپرده‌گذاران می‌اندازد.

بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که بانکداری قراردادهای موازی از طرفی به دلیل ممنوعیت بهره و مطرح‌نبودن ریسک نرخ بهره در این سیستم و همچنین به دلیل

*. درنظرگرفتن چنین حالت‌هایی برای تمام عقود مشارکتی و مبادله‌ای منوط به برقراری شرایطی به شرح زیر می‌باشد:

الف) مدت زمان قراردادهایی که بانک با هر دو طرف معامله (سپرده‌گذار و تسهیلات‌گیرنده) می‌بندد باید یکسان باشد.

ب) نوع قراردادهایی که با هر دو طرف معامله می‌بندد، باید یکسان باشد.

ج) سرمایه‌های هر یک از سپرده‌گذاران را باید در همان قراردادها سرمایه‌گذاری کند.

د) در حالت‌هایی که بررسی شد، شرایط به‌گونه‌ای در نظر گرفته شده است که بانک در هر شرایطی در صدد به‌دست‌آوردن سود است.

www.SID.ir

Archive of SID

سوداگرانه‌بودن ریسک قیمت و قابلیت انتقال آن به سپرده‌گذار در مجموع دچار ریسک بازاری کمتری نسبت به بانکداری متعارف می‌شود و لذا پایبندی به الزامات نسبت کفایت سرمایه در این نوع بانکداری نسبت به بانکداری متعارف کمتر می‌باشد.

ریسک دیگری که بانک‌های بدون ربا با آن مواجه می‌باشند، ریسک عملیاتی است که بیشتر ناشی از نامناسب‌بودن فرایندها و روش‌ها، افراد و نظام داخلی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری می‌باشد. همان‌طور که بیان شد، ریسک عملیاتی مربوط می‌شود به آنچه در فعالیت بانکی رخ می‌دهد که شامل مواردی چون اختلاس، خرابی سیستم و ... است که می‌تواند در بانکداری متعارف نیز رخ دهد و در این زمینه تفاوتی بین دو نوع بانکداری وجود ندارد؛ اما متخصصان متعددی از گذشته معتقد بوده‌اند ریسک عملیاتی حاصل از نظارت در بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف بیشتر است؛ اگرچه قابل ذکر است که امروزه با پیشرفت بسیار زیاد سیستم‌های نظارتی و بهره‌مندی آنها از ابزارهای فناورانه، نظارت‌ها بسیار دقیق‌تر، با سرعت بیشتر و با هزینه کمتر صورت می‌پذیرد*؛ لذا معناداربودن یا نبودن تفاوت ریسک عملیاتی در دو نوع بانکداری نیاز به بررسی بیشتری دارد.

آخرین ریسکی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد ریسک تجاری جایگزین‌شده (Displaced Commercial Risk) می‌باشد. گروهی از صاحب‌نظران اقتصادی استدلال می‌کنند بانکداری بدون ربا به‌صورت انحصاری دارای ریسک جابه‌جایی وجوه می‌باشد. ریسک تجاری جایگزین‌شده، مربوط به زمانی است که بانک اسلامی تحت فشارهای تجاری، خود را ملزم به پرداخت سود علی‌الحساب به حساب‌های سرمایه‌گذاری سهیم در سود می‌داند و این نرخ علی‌الحساب باید در حدی باشد که صاحبان این حساب ها را قانع کند به جای خارج‌کردن وجوه خود از بانک و سرمایه‌گذاری آن در جای دیگر، وجوه خود را نزد این بانک حفظ کنند. اگر این نرخ علی‌الحساب بالاتر از نرخی باشد که در نهایت حاصل می‌شود، بانک باید برای جلوگیری از خروج سپرده‌ها، از بخشی از سهم سود خود صرف‌نظر کند و این پرداخت اضافی را ببخشد و در صورت عدم موفقیت در

*. برای مثال در مشارکت حقوقی، امروزه شرکت‌های حسابرسی با دقت بسیار زیادی و به‌سرعت و با هزینه نه چندان زیاد، امر نظارت بر شرکت‌های سهامی را بر عهده دارند.

www.SID.ir

Archive of SID

این امر موقعیت تجاری بانک با خطر مواجه می‌شود که به خطر ناشی از این امر ریسک جابه‌جایی وجوه گفته می‌شود؛ در نتیجه بانک اسلامی به جهت مواجهه با این ریسک هم باید نسبت کفایت سرمایه بیشتری نگهداری کند.

اما در زمینه ریسک تجاری جایگزین‌شده باید ابتدا مروری دوباره به مفهوم «علی‌الحساب» داشت؛ برای مثال فرض شود بانک اقدام به بستن یک قرارداد مشارکت به‌صورت نسبت مساوی در سود با سپرده‌گذار می‌کند. حال بانک تا اتمام پروژه مثلاً اقدام به پرداخت سالانه ۲۰ درصد سهم الشرکه به سپرده‌گذار به‌صورت علی‌الحساب می‌کند و ممکن است بانک دیگری علی‌الحساب ۱۵ درصد پرداخت کند. باید بیان کرد که این مبلغ علی‌الحساب به‌صورت قرض به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود؛ چراکه سود نهایی در آخر سال و پس از اتمام پروژه معلوم می‌شود. بعد از اتمام کار ممکن است مبلغ علی‌الحساب پرداختی کمتر از مبلغ سود به‌دست‌آمده باشد که در این صورت بانک باید مابه‌التفاوت آن را به سپرده‌گذار بپردازد و یا برعکس ممکن است مبلغ علی‌الحساب پرداختی بیشتر از میزان سود پرداختی به سپرده‌گذار باشد که در این صورت بانک مبلغ اضافی قرض داده‌شده را باید پس بگیرد؛ بنابراین درصورتی‌که قرار باشد در آخر کار مابه‌التفاوت‌ها محاسبه شود، اینکه بانکی ۲۰ درصد و دیگری ۱۵ درصد علی‌الحساب پرداخت کند نباید برای مشتری فرق چندانی داشته باشد و باعث شود که اولی را حتماً به دومی ترجیح دهد؛ اما اگر قرار باشد بانک در صورت ضرر یا فزونی علی‌الحساب بر سهم سود، مبلغ اضافی را ببخشد، اینجا حتماً برای سپرده‌گذار مهم است که در بانکی سپرده‌گذاری کند که علی‌الحساب بالاتری می‌دهد؛ اما این دیگر علی‌الحساب نیست؛ بلکه سود تضمین‌شده از قبل است که با اصل اسلامی مشارکت در سود و زیان همخوانی نداشته و به بانکداری متعارف نزدیک است؛ بنابراین اگر بانک اسلامی به‌صورت صحیح اقدام به رعایت اصول بانکداری قراردادهای موازی کند و «علی‌الحساب» معنای واقعی خود را داشته باشد، دیگر بحثی به نام ریسک تجاری جابه‌جایی به وجود نمی‌آید.

www.SID.ir

Archive of SID

اعتبارسنجی تحلیل‌های نظری پژوهش

در این قسمت با توجه به تفاوت استدلال‌ها و نتایج طرح‌شده در بخش نخست این پژوهش نسبت به ادبیات متعارف بانکداری اسلامی، در گام بعد سعی می‌شود با رجوع به نظرات خبرگان حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی، در مورد صحت استدلال‌ها و نتایج اعتبارسنجی صورت گیرد. بدین منظور پرسشنامه‌ای تنظیم گردید* و برای ۱۰ خبره که همگی دارای مدرک دکترای علوم اقتصادی بوده و در حوزه اقتصاد اسلامی و بانکداری بدون ربا صاحب‌نظر بودند، ارسال گردید** که از این تعداد، ۷ نفر اقدام به پاسخگویی نمودند که خلاصه‌ای از پاسخ‌های ایشان در جدول زیر گردآوری شده است:

سؤالات	تعداد پاسخ‌دهندگان به هر یک از گزینه‌ها			
	گزینه الف	گزینه ب	گزینه ج	عدم پاسخ به هیچ‌گزینه‌ای
سؤال اول	۴	۲	۰	۱
سؤال دوم	۱	۴	۰	۲
سؤال سوم	۲	۴	۰	۱
سؤال چهارم	۱	۵	۰	۱
سؤال پنجم	۳	۳	۰	۱
سؤال ششم	۰	۶	۰	۱
سؤال هفتم	۴	۲	۰	۱
سؤال هشتم	۱	۴	۰	۲

*. متن پرسشنامه در پیوست آورده شده است.

**. قابل ذکر است که از این ۱۰ صاحب‌نظر، دو نفر هیئت علمی دانشگاه تهران، یک نفر هیئت علمی دانشگاه قم، یک نفر هیئت علمی مؤسسه پژوهشی امام خمینی﵀ دو نفر هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی و سه نفر از مقامات مسئول بانک مرکزی بودند.

www.SID.ir

Archive of SID

با توجه به نتایج این اعتبارسنجی، به نظر می‌رسد حدود ۸۵ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، به‌طورکلی یا به‌طور جزئی و نسبی با استدلال‌های مطرح‌شده در این مقاله موافق هستند و ۱۵ درصد بقیه هم مخالفت صریحی با استدلال‌ها نداشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در قسمت‌های قبل، ابتدا در مورد نقش کفایت سرمایه در جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها و ترتیباتی که کمیته بازل بدین منظور اتخاذ کرده است، صحبت شد. سپس با تبیین بانکداری بدون ربا با رویکرد قراردادهای موازی، این سؤال مطرح شد که این نوع بانکداری با توجه به ماهیت متفاوت خود، آیا نیازمند رعایت ترتیبات اتخاذشده از سوی کمیته بازل در ارتباط با الزامات کفایت سرمایه هست یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال ریسک‌های مطرح در این نوع بانکداری مورد بررسی نظری قرار گرفته و مشخص شد که این ریسک‌ها نوعاً از موارد مشابه خود در بانکداری متعارف کمتر می‌باشند. این بدان معناست که رعایت الزامات کفایت سرمایه برای این نوع بانکداری از اهمیت و ضرورت کمتری برخوردار است؛ زیرا با توجه به کاهش نسبی ریسک‌ها، احتمال ورشکستگی بانکی در این سیستم بانکداری کمتر از متعارف می‌باشد. مطالعه تجربیات عملی این نوع بانکداری و مقایسه آن با بانکداری متعارف در طول بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی هم بر این ادعا صحه می‌گذارد که دارایی ـ پایه (Asset-Backed) بودن قراردادهای مورد استفاده در این نوع بانکداری و سایر ویژگی‌های مطرح در آن، سبب ثبات بیشتر این نوع بانکداری شده است؛ لذا به‌کارگیری یکسان و مشابه دستورالعمل‌های کمیته بازل برای بانکداری بدون ربا و متعارف چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

منابع و مآخذ

۱. پاشایی‌فام، رامین؛ «بررسی نقش مقررات و اصول کمیته بال در نظام بانکی کشور»، **مجموعه مقالات بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی**؛ ۱۳۹۱.

www.SID.ir

Archive of SID

۲. پهلوان‌زاده، مسعود؛ «مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانک‌ها: بر اساس بیانیه دوم کمیته مقرارت و نظارت بانکی بازل»، **نشریه عملی ـ تخصصی روند**؛ ش۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۶.

۳. خشنود، زهرا و مرضیه اسفندیاری؛ «وام‌دهی بانکی و کفایت سرمایه: مقایسه بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران»، **پژوهش‌های پولی ـ بانکی**؛ ش۲۰، ۱۳۹۳.

۴. رهبر شمس‌کار، صدیقه؛ «محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی: بیانیه سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی»، **بانک و اقتصاد**؛ ش۱۸، ۱۳۸۰.

۵. فلاح شمس، میرفیض و حسن عباس‌زاده؛ «مقایسه تطبیقی کفایت سرمایه در بیانیه بال اول و دوم کمیته بال»، **فصلنامه روند**؛ ش۵۴ و ۵۵، ۱۳۸۶.

۶. کاظمی‌نژاد، فاطمه؛ «تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف»، **بانک و اقتصاد**؛ ش۱۰۱، ۱۳۸۷.

۷. محسنی، حسین؛ **مبانی بانکداری با رویکرد مالی**؛ چ۱، تهران: انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، ۱۳۹۳.

۸. محمودوند، رحیم و مهناز محمدی؛ «بررسی کفایت سرمایه در قبال خطر عدم وصول تسهیلات در بانک‌ها و مؤسسات مالی»، **مجله روند**؛ ش۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۶.

۹. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی فقهی ـ اقتصادی سپرده‌های انتقال‌پذیر در بانکداری بدون ربا»، **فصلنامه فقه اهل‌بیت**؛ ش۱۷ و ۱۸، ۱۳۸۸.

۱۰. منظور، داود و مهدی یادی‌پور؛ «کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی»، **فصلنامه علمی ـ پژوهشی اقتصاد اسلامی**؛ س۸، ش۲۹، ۱۳۸۷.

11. Abdual Karim, Mastura, Hassan, M.kabir, Hassan, Taufiq, Mohamad, Shemsher; "Capital adequacy and lending and deposit behaviors of conventional and Islamic banks"; **Pacific-Basin Financial Journal**, No.28. 2014.

12. Ahmed, Rukhsar, Siddigui, Kamran, Immamuddin, Mufti; **Islamic Banking in Pakistan: Problems and Prospects**, 2010.

www.SID.ir

Archive of SID

13. Ali al-Fijawi, Mohammad Farid; "Salam (Forward sale) and ISTIØNAÑ (Manufacture Contract) in modern application: A MAQÓØID AL-SHARĪÑAH PERSPECTIVE"; **International Journal of Business, Economics and Law**, Vol.9, Issue.5, 2016.

14. Basel Committee on Banking Supervision; "Basel III: A Global Regulatory Framework for More Resilient Banks and Banking Systems", 2010.

15. Chapra, M.Umer, khan, Tariqaullah; **regulation and supervision of Islamic banking, Islamic development bank**; 2000.

16. Dalla Pellegrian, Lucia; **capital adequacy ratios, efficiency and governance**: a comparison between Islamic and western bank; 2008.

17. Islamic Financial Services Board, "Capital Adequacy Standard for Institution Offering Only Islamic Financial Services"; **Exposure Draft**, No.2 , 2005.

18. Islamic Financial Services Board; "Exposure Draft – 15: Revised Capital Adequacy Standard for Institutions Offering Islamic Financial Services [Excluding Islamic Insurance (Takaful) Institutions and Islamic Collective Investment Scheme]"; 2012.

19. Khan. T and H. Ahmed; **Risk Management in Islamic banking**; 2007.

20. Khan. T and H. Ahmed; **Risk Management**: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry; 2001.

21. Lall, Ranjit; **why Basel 2 failed and Basel 3 is dooed**; 2009.

www.SID.ir

Archive of SID

22. Miani, Stefano, Daradkah, Demeh; **Islamic Banking and Basel 2**; submission to the second conference for the faculty of business, University of Jordan, 2009.

23. Montanaro, Elisabetta; **Islamic banking**: A Chalenge For The Basel 2; Islamic banking and finance in the European union achallenge, Eddite by: M.fahim khan, 2009.

24. Muljawan. Dadang, A.dar, Humayon, J.B.Hall, Maximilian; **Acapital adequacy framework for Islamic banks**: the need to reconcile depositers risk aversion with managers risk taking; Loughborough University Institutional Repository, 2007.

25. Obaidullah, Mohammed; "capital adequacy norms for Islamic financial institutions"; **Islamic Economics Studies**, No.1 , 2007.

26. Rajhi, Wassim, Ahmed Hassairi, Slim; "capital structure and financial risks in Non-conventional banking system"; **international journal of economics and finance**, Vol.4, No.4, 2012.

27. Turk Ariss, Rima, Sarieddine, Yolla; "challenge in implementing capital adequacy guidelines to Islamic banking"; **Journal of banking regulation**, Vol.9, 2007.

28. Zeeshan Farrukh, Muhammad; **the analysis of application of SALAM & ISTISNA'A in Islamic financial industry**; 2015.

29. Zins, Alexandra, Weill, Laurent; "Islamic banking and risk: the impact of basel 2"; **Pacific-Basin Financial Journal**, 2017.

www.SID.ir

Archive of SID

پیوست

سؤالات پرسشنامه

الف) در بانکداری اسلامی که عقود مشارکتی به‌درستی اجرا می‌شود:

۱. اگر پروژه سودده باشد؛ در اینصورت اگر تسهیلات‌گیرنده به قرارداد پایبند باشد و اصل سرمایه بانک و سهم سودش را برگرداند، در این صورت بحث نکول و ریسک اعتباری برای بانک مطرح نمی‌باشد.
الف) کاملا صحیح است.
ب) بدون درنظرگرفتن سایر ابعاد دخیل در موضوع، صحیح است.
ج) کاملا غلط است.

۲. اگر پروژه سودده باشد؛ اما تسهیلات‌گیرنده به قرارداد پایبند نباشد و اصل سرمایه و یا سهم سود بانک را برنگرداند، اقدامات احتیاطی پیشگیرانه‌ای از قبیل اخذ وثیقه و ضمانت، ریسک اعتباری بانک را تا حد زیادی کاهش می‌دهد.
الف) کاملا صحیح است.
ب) بدون درنظرگرفتن سایر ابعاد دخیل در موضوع، صحیح است.
ج) کاملا غلط است.

۳. اگر پروژه ضرر دهد در این صورت بانک نیز به عنوان شریک سرمایه‌گذاری، بخشی از بار زیان در سرمایه را بر دوش می‌کشد؛ لذا توانایی تسهیلات‌گیرنده برای ایفای تعهداتش در قبال سهم بانک (از سرمایه باقی‌مانده) بالا رفته و به همان نسبت احتمال نکول وی کاهش یافته و در نتیجه ریسک اعتباری بانک کم می‌شود.
الف) کاملا صحیح است.
ب) بدون درنظرگرفتن سایر ابعاد دخیل در موضوع، صحیح است.
ج) کاملا غلط است.

۴. به دلیل کاهش ریسک اعتباری بانک در عقود مشارکتی ـ که در بالا آمد ـ به همان نسبت ریسک نقدینگی بانک هم کاهش می‌یابد.
الف) کاملا صحیح است.
ب) بدون درنظرگرفتن سایر ابعاد دخیل در موضوع، صحیح است.
ج) کاملا غلط است.

www.SID.ir

Archive of SID

ب) در بانکداری اسلامی که عقود مبادله‌ای فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک به‌درستی اجرا می‌شود:

۵. با قرارگرفتن مبیع یا مال‌الاجاره در رهن بانک، احتمال نکول و بدهی از سوی تسهیلات‌گیرنده به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و لذا ریسک اعتباری بانک کاهش می‌یابد.
الف) کاملا صحیح است.
ب) بدون درنظرگرفتن سایر ابعاد دخیل در موضوع، صحیح است.
ج) کاملا غلط است.

۶. در نتیجه، به دلیل کاهش ریسک اعتباری بانک در این عقود (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک)، به همان نسبت ریسک نقدینگی بانک هم کاهش می‌یابد.
الف) کاملا صحیح است.
ب) بدون درنظرگرفتن سایر ابعاد دخیل در موضوع، صحیح است.
ج) کاملا غلط است.

ج) در بانکداری اسلامی که عقود مشارکتی و مبادله‌ای به درستی اجرا می‌شود:

۷. در برخی عقود جایز مانند مشارکت مدنی و مضاربه، به دلیل درگیرشدن پول سپرده‌گذارها در سرمایه‌گذاری مشترک، انگیزه آنها برای فسخ قراردادها و مطالبه پول خود کاهش می‌یابد؛ زیرا فسخ شراکت در اثنای کار، متضمن جبران خسارت‌های احتمالی شریک است علاوه بر آنکه به لحاظ اجرایی و عملیاتی فسخ شراکت‌ها، پروسه‌ای زمان‌بر و پرهزینه می‌باشد؛ در نتیجه ریسک نقدینگی بانک از این جهت کاهش می‌یابد.
الف) کاملا صحیح است.
ب) بدون درنظرگرفتن سایر ابعاد دخیل در موضوع، صحیح است.
ج) کاملا غلط است.

۸. در عقود لازمی همچون فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، امکان فسخ قرارداد توسط صاحب سپرده نبوده؛ لذا نمی‌تواند مطالبه پول خود را در اثنای قرارداد داشته باشد؛ در نتیجه از این جهت ریسک نقدینگی بانک کاهش می‌یابد.
الف) کاملا صحیح است.
ب) بدون درنظرگرفتن سایر ابعاد دخیل در موضوع، صحیح است.
ج) کاملا غلط است.

در خاتمه، لطفاً ما را از نکات تکمیلی خود محروم نفرمایید. با تشکر فراوان از قبول زحمت جنابعالی

www.SID.ir